

Logical Fallacies 6

مغالطات منطقی ۶

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

مغالطه تعمیم شتاب زده (Hasty Generalization Fallacy)

مغالطه تعمیم شتابزده زمانی رخ می دهد که ما بر اساس چند تجربه یا مشاهده محدود و نابسند، دست به تعمیم بزنیم و آن رویدادها را به دامنه گسترده ای از موارد مشابه نسبت دهیم. به عبارت دیگر وقتی تلاش کنیم با توجه به مشاهدات محدودی که داشته ایم، استدلالی ترتیب داده و به یک نتیجه کلی برسیم، دچار مغالطه تعمیم شتابزده یا تعمیم نسنجیده شده ایم.

به عنوان مثال می توان به مواردی که در ادامه می آید، اشاره کرد:

- من تابه حال حداقل ۴ بار با افرادی از اهالی شهر X معامله کرده ام که هر ۴ بار بدقولی کرده اند و پولشان را به موقع به حسابم واریز نکرده اند. به همین دلیل به نظرم اصلاً نباید به کسانی که اصالتاً اهل آنجا هستند، اعتماد کرد.
- تابه حال هر زوجی را که هر دو شاغل بوده اند، دیده ام، یا دچار اختلاف با هم بوده اند و یا اینکه مشکلات عدیده ای بر زندگی شان حاکم بوده؛ به همین خاطر اگر قصد ازدواج داری به نظرم سعی کن با یک خانم خانه دار ازدواج کنی.
- امروز حداقل چهار کلیپ دیده ام که مربوط به دزدی ها و کیف قاپی هایی اخیر در تهران بوده اند. به نظر می رسد شهر برای همه ناامن شده و دیگر نمی شود با خیال راحت حتی در پیاده روی یک

خیابان شلوغ قدم زد. چون هر لحظه انتظار داری کسی از پشت حمله کند و کیف یا گوشی‌ات را از دستت بقاپد و فرار کند.

- دو بار به پیشنهاد دوستم سهام خریدم و هر دو بار هم سود کردم. به نظرم او واقعاً متخصص بازار سهام است و می‌توان کاملاً به او و تخصصش اعتماد کرد و در نتیجه سود زیادی به دست آورد.

بی‌شک نمونه‌های بیشتری از این دست تعمیم‌ها و از این نوع مغالطه را می‌توان مثال زد. مشکل اصلی در چنین تعمیم‌هایی این است که افراد صرفاً بر اساس چند تجربه شخصی محدود و انگشت‌شمار، به یک سری نتایج کلی می‌رسند و هیچ احتمالی در خصوص اینکه شاید موارد نقض متعددی در این خصوص وجود داشته باشد، را لحاظ نمی‌کنند.

البته در استدلال بر اساس استقرا هم با توجه به یک سری نمونه‌های محدود به یک نتیجه کلی دست می‌یابیم. اما آنچه در استقرا اهمیت دارد، این است که اندازه نمونه‌ها بایستی به اندازه کافی بزرگ بوده و همچنین نمونه‌گیری به صورت کاملاً تصادفی و متعارف انجام شود که هیچ‌کدام از اینها در تعمیم شتابزده رعایت نمی‌شود.

مغالطه پهلوان پنبه یا مغالطه آدم پوشالی (Straw Man Fallacy)

مغالطه پهلوان پنبه زمانی رخ می‌دهد که در مواجهه با یک استدلال، آن را به بدترین و ضعیف‌ترین شکل ممکن تفسیر کنیم تا بتوانیم به راحتی ردش کرده و دلایلی در خصوص عدم پذیرش آن ارائه کنیم.

به عبارت دیگر مواجهه با یک پهلوان پنبه که از نظر جسمانی بسیار ضعیف و ناتوان است، خیلی راحت‌تر از ایستادن در برابر پهلوان اصلی و مقابله با اوست. اما افراد گاه به دلیل ضعف خودشان ترجیح می‌دهند با همان پهلوان پنبه طرف شوند و بعد از آن احساس پیروزی کنند.

مغالطه گر زمانی که در برابر حرف حساب قرار می‌گیرد بیکار نمی‌نشیند. یکی از ترفند هایی که بکار می‌گیرد این است که از آن حرف حساب، از آن استدلال قوی، از آن خواسته مشروع یک ورژن ضعیف بسازد و به آن حمله کند. به این ورژن ضعیف شده در اصطلاح منطق آدمک پوشالی گفته می‌شود. چون شکست دادن آن راحت است.

مواجهه منطقی و واقع بینانه با یک نظر این است که تلاش کنیم با همدلی فکری () آن را آنطور که هست فهمیم و بشناسیم و آنگاه اگر استدلالی داریم با رعایت اخلاق مطرح کنیم. باید تحت هر شرایطی تلاش کنیم قوی‌ترین و منطقی‌ترین استدلال ممکن را برای طرف مقابل در نظر بگیریم و با آن استدلال قوی مقابله کنیم. این کار همان اصل نیک‌نگری است. به این معنا که حتی اگر ضعف‌هایی در استدلال طرف

مقابلمان وجود دارد، تلاش کنیم قوی‌ترین استدلال را در نظر بگیریم و استدلال خودمان را در برابر آن شکل قوی مطرح کنیم.

البته ارتکاب به مغالطه پهلوان پنبه همیشه به شکل عمدی و از روی غرض‌ورزی اتفاق نمی‌افتد، بلکه ممکن است جهل هم باعث ارتکاب چنین مغالطه‌ای بشود. یکی از شکل‌های مرسوم ارتکاب این مغالطه، رفتن به سمت افراط یا تفریط در تفسیر یک استدلال است. به این معنا که وقتی استدلال اولیه شکلی متعادل دارد، مقابله با آن کاری دشوار است برای همین فرد ترجیح می‌دهد به شکلی افراطی آن را تفسیر کند. در این صورت مقابله با آن کاری آسان یا نه چندان دشوار خواهد بود.

برای مثال موارد زیر را در نظر بگیرید:

استدلال: "باید ایران و آمریکا با هم رابطه سیاسی داشته باشند و در باره مسائل مورد اختلاف با هم مذاکره کنند."

مغالطه: "چطور می‌توانید اینقدر خودفروخته باشید، مذاکره یعنی تسلیم در برابر دشمن"

در اینجا مغالطه صورت گرفته است. داشتن رابطه سیاسی به منزله وابستگی نیست. آمریکا و روسیه با هم رابطه سیاسی دارند. ایران و عراق در زمان جنگ هفت سال رابطه سیاسی داشتند. مذاکره به معنای تسلیم نیست.

استدلال: به نظرم اگر دولتمردان در سیاست خارجی خودشان کمی انعطاف به خرج دهند و به شکل واقع‌بینانه‌تری با کشورهای دیگر مواجه شوند، بتوانند امتیازات بهتری از آنان بگیرند و منافع ملی را به شکل اثربخش‌تری تأمین کنند.

مغالطه: چطور می‌توانی این قدر خود فروخته باشی؟ یعنی به خاطر به دست آوردن امتیاز احداث چند کارخانه و تولید باکیفیت‌تر چند کالای بی‌اهمیت، راضی می‌شوی که هویت و کشورت را به ثمن بخش ببخشی؟

شکل دیگر مغالطه پهلوان پنبه به این صورت است که وقتی فرد یا گروهی می‌خواهند با عقیده یا جریانی مقابله کنند که طرفداران و مدافعان متعددی دارد، به سراغ ضعیف‌ترین و شاید غیرمنطقی‌ترین طرفداران آنها می‌روند و شروع به نقد مواضع و استدلال‌های آن گروه می‌کنند.

برای مثال کافی است یکی از طرفداران حزب، گروه یا جریان، کاری غیراخلاقی انجام دهد یا موضعی غیرمنطقی بگیرد، وقتی مخالفان همان یک کار یا موضع‌گیری را به کل آن گروه نسبت دهند و از آن برای رد تمامی مواضع و استدلال‌های آن گروه استفاده کنند، در واقع مرتکب مغالطه پهلوان پنبه شده‌اند.

جمهوری اسلامی در مقابله با جنبش سبز از این مغالطه استفاده کرد. خودشان در روز عاشورا کارناوال شادی راه انداختند و بعد گفتند ببینید طرفداران اینها میخواهند روز عاشورا رقص و پایکوبی راه بیاندازند. یا مثلاً مسجد آتش زدند تا بگویند جنبش سبزی ها می خواهند مساجد را خراب کنند. یا برخی طرفداران جنبش سبز را دستگیر و اعتراف گیری کردند که کارهای غیر اخلاقی انجام داده اند.

در اعتراضات گسترده سال 1401 که معترضان به شیوه حکمرانی اعتراض داشته که فقر و فساد و تبعیض در آن بیداد می کند و حکومت تن به برگزاری انتخابات آزاد و رفراندوم نمی دهد، خواهان سرنگونی آن و جایگزینی آن با یک حکومت سکولار هستند. رسانه های حکومتی متوسل به همین مغالطه پهلوان پنبه شدند و گفتند اینها اقلیتی وطن فروش هستند که می خواهند لخت شوند.

مغالطه توسل به باور عمومی یا توسل به اکثریت (Appeal to Belief Fallacy)

مغالطه توسل به باور عمومی زمانی اتفاق می افتد که استدلال فرد برای قبول ادعایی نه بر اساس دلایل منطقی و قابل قبول بلکه بر مبنای باور عمومی شکل گرفته باشد. به عبارت دیگر فرد صرفاً به این دلیل باوری را پذیرفته باشد که اکثریت افراد یک جامعه آن باور را قبول دارند. این مغالطه با عناوین مختلفی مورد اشاره قرار می گیرد که برخی از آنها عبارتند از تمسک به اکثریت (appeal to majority)، مغالطه همه همین کار را می کنند و مغالطه مد روز.

دلایل متعددی برای تمایل افراد برای به کارگیری یا قبول مغالطه توسل به باور عمومی وجود دارد که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اعتقاد به اینکه امکان ندارد تعداد زیادی از انسان ها اشتباه کنند و اگر کسی با آن نظر مخالف است، طبیعتاً مشکل از خود اوست.
- تمایل ذاتی انسان ها به شبیه دیگران بودن.
- تمایل ذاتی انسان ها به عضوی از یک گروه بزرگتر بودن.
- باور به افزایش قابلیت اعتماد به یک موضوع با افزایش تعداد معتقدان به آن موضوع.
- زودباور بودن غالب انسان ها.
- آرزو اندیش بودن اکثر مردم و تمایل به داشتن باوری که دوست دارند واقعیت داشته باشد.
- دموکراسی مرسوم در جوامع مختلف، در صورتی که رأی اکثریت دلیلی بر عقلانی یا منطقی بودن یک انتخاب یا دیدگاه تلقی شود.

نمونه های مختلفی از این مغالطه در برهه های مختلف تاریخ و همچنین زمینه های گوناگون می توان شاده بود که برخی از آنها را در ادامه توضیح می دهیم:

- زمانی اکثریت مردمان دنیا معتقد به این بودند که زمین مسطح است.
- زمانی اکثریت مردم ایران فکر می کردند انقلاب 57 به آزادی و دموکراسی ختم می شود.

- خوب دانستن یک کتاب به دلیل پرفروش بودن آن.
- باور به اینکه چون کالایی پرفروش است، پس بهترین کالا هست و می‌توان با خیال راحت آن را خریداری کرد.

باتوجه‌به فراگیر بودن مغالطه توسل به باور عمومی، بهتر است همیشه حواسمان به این موضوع باشد که باور و یا نظری را صرفاً به این خاطر که همه آن را پذیرفته‌اند، لزوماً درست نپنداریم و قبول نکنیم و به جای این کار نگاهی نقادانه به آن باور یا نظر داشته باشیم تا با ارزیابی درست و اصولی آن در صورت عقلانی و منطقی بودن استدلال و همچنین مطابقت با ارزش‌های شخصی خودمان، آن را مورد پذیرش قرار دهیم.

هرگونه کپی برداری از مطالب این وب سایت بدون ذکر منبع پیگرد قانونی دارد.